

گام پیشین طراحی متون آموزشی فلسفه اسلامی برای کودکان

عاطفه رستگار^۱

چکیده

از آنجا که فلسفه علمی است برای درست اندیشیدن و درست زیستن، بنابراین در تمام مراحل زندگی مؤثر، مفید و ضروری خواهد بود هرچه از سنین پایینتر ذهن انسان در این راستا گام بردارد و سنگ بنای اندیشیدن او در مسیر صحیح قرار گیرد نتایج بهتری حاصل می آید.

آموزش فلسفه و فلسفی فکر کردن، پرورش قوه استدلال، تفکر انتقادی و خلاقیت در کودکان که پرسشگری و شگفت زدگی از پدیده ها، ویژگی بارز ایشان است، به مراتب از هدایت اندیشه هایی که سال ها سردرگم پرسه زده اند، سهل و پایدارتر خواهد بود.

پس از واکاوی ضرورت پاسخگو بودن والدین - علاوه بر مربیان - به پرسشهای بنیادین کودکان (کودک پیش از رفتن به مدرسه هم نیاز به فلسفه دارد) به این طرح رسیدیم که در مقطع متوسطه دوم و دانشگاه نیاز به وجود مباحث و سرفصل های درسی در زمینه فرزندپروری به ویژه تربیت فلسفی کودکان مشاهده می شود. دانش آموزان و دانشجویان والدین آینده اند که نیاز به فراگیری روش های پاسخگویی و انتقال مطالب بنیادین به فرزندان دارند. پیشنهاداتی در رابطه با طراحی متون مناسب برای پاسخگویی به کودکان در انتها ارائه شد.

واژگان کلیدی: فلسفه اسلامی، کودک، والد، تفکر انتقادی، فرزندپروری، آموزش.

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد سبزوار
rastgar.61fh@gmail.com

« كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ »

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکّر شوند. (سوره ص، ۲۹)

اندیشه ورزی، فصل ممیز انسان و جزء ضروری و لاینفک زندگی اوست از این رو فلسفه و پرداختن به آن نه تنها مفید است بلکه امری کاملاً ضروری است و از مهمترین ویژگی هایی که پرورش و تربیت آن از اوان کودکی دارای اهمیت فراوانی است ؛ اندیشیدن ، درست اندیشیدن و تفکر انتقادی است.

کم نیستند مسائل و مصائبی که در نتیجه ی کژاندیشی و بی خردی، گریبان گیر پیر و جوان در ابعاد فردی و اجتماعی شده اند و پیچیدگی های زیادی را ایجاد نموده اند. بنابراین لازم است برای بهره وری از مزایای تفکر و به ویژه تفکر فلسفی ، از سنین پایین تر شروع کنیم .

«فلسفه برای کودکان تلاشی است برای توسعه فلسفه با این هدف که استدلال و داوری منطقی در قالب فلسفه به کودکان آموخته شود. این برنامه درصدد پرورش تفکر انتقادی، تقویت قدرت استدلال، داوری، کمک به رشد مهارت های مربوط به تفکر سالم در کودکان و نوجوانان و برانگیختن سطوح بالای تفکر در کندوکاو مشترک میان اعضای گروه است...فلسفه برای کودکان با تأکید بر ایجاد و افزایش این مهارت ها در کودکان و نوجوانان در پی تربیت افرادی با قدرت تحلیل معقول است.» (قراملکی، ۱۳۸۴ الف: ۷)

«این برنامه نخستین بار در سال ۱۹۶۹ توسط فیلسوف آمریکایی متیو لیپمن (Matthew Lipman) مطرح شد و هم اکنون رایج ترین روی آورد در فلسفه برای کودکان، رهیافت لیپمن است.» (قراملکی، ۱۳۸۴ ب: ۲۷) افراد دیگری چون آن مارگارت شارپ (Margaret Sharp) ، فیلیپ کم (Philip Cam) ، برنی فیه (Brenifier) ، پریسپرسن (Presperson) و... با لیپمن همراه شدند. پرداختن به موضوع فلسفه برای کودکان به جهت اهمیت اساسی که تعلیم و تربیت کودکان و به تبع آن رشد فکری جامعه در بر دارد، مورد توجه متفکران بسیاری قرار گرفته است. ضمن اینکه این توجه و امدار تلاش فکری متفکران گذشته نیز بوده که لیپمن به آن ها اشاره کرده است. متفکرانی چون جان دیویی (John Dewey)، لئوویتسکی (Levitsky)، ژان پیاژه (Jean Piaget) ، گیلبرت رایل (Gilbert Ryle) ، لویدوگ ویتگنشتاین (Ludwig Wittgenstein) و جرج هربرت مید (George Herbert Mead) با نظراتی که درباره نحوه آموزش کودکان داشتند در روند فلسفه برای کودکان مؤثر بوده اند. (قائدی، ۱۳۹۵: فصل ۲)

کثرت میزان توجه و اهتمام آموزه های اسلامی در رابطه با اهمیت تفکر، نیز بر ضرورت پرداختن به موضوع بحث تاکید دارد. با این همه در نظام تعلیم و تربیت ما، جای خالی آموزش شیوه های برخورد با کودکان پرسشگر، احساس می شود که در این نوشتار در صدد کنکاش روی این بُعد از مسئله هستیم.

۱. ضرورت حضور فلسفه اسلامی در زندگی

«فلسفه عبارت است از تلاش برای فهم بنیادی و فراگیر جهان به وسیله قوای ادراکی خود و براساس واقعیت عینی» (یثربی، ۱۳۹۰: ۳۴) و فلسفه اسلامی در گامی فراتر و با دستی پرتتر، همین تلاش است که مساعدت های الهی را نیز پشتوانه ی خود نموده و طی طریق می کند تا به مراحل والای حکمت متعالیه دست یابد؛ به نوعی صیورورت و شدن است تا انسان، جهانی بشود مشابه جهان عینی. ۱.

در باب ضرورت حضور فلسفه اسلامی در زندگی، باید گفت؛ همه افراد به نحوی، برای خود تعریفی از جهان، انسان و به طور کلی آنچه موجود است، خواهند داشت چه به آن بیندیشند؛ آگاهانه آن را بکاوند یا ناخودآگاه تعریفی در ذهنشان نقش بسته باشد. بنابراین ناگزیر؛ به همان اندازه که هر لحظه به انتخاب های خرد و کلان احتیاج داریم، چه بخواهیم و چه نخواهیم، درگیر مسائل فلسفه هستیم.

آگاهی از فلسفه اسلامی به عنوان یکی از کامل ترین مکاتب؛ راهنمای ما به سمت سبک زندگی برتر خواهد بود. ۲.

۲. فلسفه و کودک

۱-۲. شروع از دوران کودکی

برای رشد و اعتلای تفکر فلسفی و ریشه دواندن آن در تمام ابعاد زندگی ناچاریم چند گام به عقب برگردیم؛ به دوران کودکی. امروزه برنامه «فلسفه برای کودکان» یکی از روش های مورد استقبال جوامع است که هدف آن شکوفایی تفکر انتقادی و خلاق کودکان است. ناگفته نماند که اگر در رابطه با فلسفه اسلامی نیز این مسئله مطرح شود، شروع از دوران کودکی منجر به موفقیت های کمی و کیفی در خصوص تربیت مهارت های زیربنایی تفکر، خواهد بود.

«از مجموعه آیات و روایات اسلامی بر می آید که ...بدون تفکر در هدف نهایی خلقت و دین، نمی توان اصول زندگی را استنباط نمود.» (دیندار، ۱۳۹۸: ۲۵) البته روشن است که منظور از شروع از دوران کودکی و سنین پایین، اینست که مبانی فطری که در انسان در این مقطع سر بر می آورد مورد توجه قرار گیرد و در جهت رشد و شکوفایی

آنها برنامه ریزی شود. تناسب مفاهیم و رشد و تکامل تدریجی مباحث نیز نکته بسیار مهمی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. به عنوان مثال کودک در سنین پایین اطمینان و وابستگی به والدین خود دارد؛ سنجیده عمل کردن والدین و هدایت درست ایشان می تواند تدریجاً کودک را در آینده به درک مفهوم توکل به قدرت لایزال الهی برساند. یا جدی گرفتن سوال از چیستی و چرایی های وجودی که در کودکی مطرح می شوند می تواند در آینده به شکل گیری بینش توحیدی، منجر شود.

۲-۲. اشتراکات کودک و فیلسوف

ویژگی هایی چون: جستجوی چرایی پدیده ها، عدم پذیرش دلایل سطحی، کمتر پیش داوری کردن و بیشتر پرسیدن، مواجهه خالی الذهن با وقایع و... شباهت کودک با فیلسوف را تداعی نموده است. «کودکان و فلاسفه هر دو از دنیا در حیرتند، پس اگر ایده های فلسفی به زبانی قابل درک برای کودکان تنظیم شود می توانند ایده های فلسفی خود را ابداع کنند؛ کودکان پیوند طبیعی با فلسفه دارند»^۴ (Lipman نقل در قائدی، ۱۳۹۵: ۳۲)

هرچند نباید در این تداعی و شباهت، افراط نمود؛ اما حداقل می توان با رجوع به فطرت کودکان و تقویت مهارت های تفکر انتقادی، عشق به دانستن و برخورد صادقانه با حقایق، تفکر فلسفی را بیش از پیش در جای جای زندگی افراد گسترش و پرورش داد. در بسیاری از موارد دانسته های غلط انسان، آزاد اندیشی را از او سلب می کند و شروع زود هنگام در پرورش تفکر فلسفی می تواند نقش به سزایی در حل این مسئله داشته باشد.

۲-۳. نیاز کودک به فلسفه

فلسفه در معنای فلسفه ورزی و پرسیدن سؤالات اساسی درباره ماهیت چیزها، می تواند به کودکان کمک کند تا ابعاد مختلف زندگی خود را ارزیابی و داوری کنند. درواقع از طریق فلسفه ورزی، کودکان ابعاد زندگی خود را تشخیص می دهند و گزینه های مختلفی را که با آنها مواجه اند، شناسایی می کنند. بسیاری از اندیشمندان این عرصه بر این عقیده اند که فلسفه برای کودکان برنامه ای برای افزایش مهارت تفکر نقاد و خلاق در درک مسائل فلسفی نزد کودکان است (شریفی اسدی، ۱۳۸۸: ۹۸)

«کودکان هر جامعه، سرمایه های آن جامعه اند... برخورد اصولی و حساب شده با استعداد کودکان باعث شکوفایی ذهن و رشد خلاقیت خواهد شد و به بالندگی جامعه خواهد انجامید. متقابلاً، رها کردن یا آموزش نادرست، زمینه ظهور نسلی خموده و وابسته را فراهم می سازد» (اسمیت، ۱۳۸۲: ۷۲).

«تفکر نقاد به کودک کمک می‌کند، درست و غلط را تمیز دهد و در داوری‌ها جانب صحیح را بگیرد. داشتن این نوع از تفکر از نیازهای مبرم و ضروری جامعه ماست که باید از کودکی به آن پرداخت. کودکی که با این نوع تفکر پرورش یابد، تحت تأثیر القانات و تبلیغات سوء و تهاجم فرهنگی دشمن قرار نخواهد گرفت. پایه‌های تفکر عمیق و قوی را باید از کودکی بنا نهاد. کودکی که بیاموزد چگونه بیندیشد، استدلال کند، دلیل بخواهد و به ملاک‌ها و معیارها برای تشخیص و داوری توجه کند، هرگز در بزرگسالی تحت تأثیر هر تفکری قرار نخواهد گرفت و راه صواب را از ناصواب تشخیص خواهد داد...» (جهانی، ۱۳۸۱: ۳۹).

۳. تربیت فلسفی کودکان

بدون ورود به تعاریف گسترده و گوناگون تربیت و تربیت فلسفی؛ به طور خلاصه، تربیت فلسفی کودکان شامل پرورش استعداد های فطری آنان در زمینه مهارت های عقلانی و استدلالی است.

«برخی تربیت را امری کاربردی دانسته و مباحث نظری تربیت را مقدمه‌ی پردازش عملی می‌دانند... اما اینکه چگونه می‌توان تربیت را در تمام شئون زندگی وارد نمود، روشهای نوینی را می‌طلبد، که قطعاً چگونگی تربیت فلسفی یکی از راهکارهای رسیدن به این هدف مطلوب است... در قرآن بیش از هزار مرتبه خدای تعالی با عنوان «رَبِّ» ذکر شده است. این کتاب تربیتی نه تنها بهترین وسیله تکامل انسان را پیمودن مسیر تفکر و تعقل، تدبّر و علم می‌داند، بلکه فلسفه‌ی وجودی ادیان آسمانی و رسالت انبیا را تعلیم و تربیت شمرده است. از این رو، تربیت فلسفی، اصطلاح جدید و تازه‌ی نیست، بلکه بشر از آن زمان که توسط پروردگارش پرورش یافت، یاد گرفت که باید در تمام امور خویش، اول بیندیشد، سپس عمل کند.» (ذبیحی، ۱۳۹۷: ۴۸).

بنابراین منظور از تربیت فلسفی کودکان در این نوشتار پرورش استعدادهای بالقوه‌ی کودکان، قدم به قدم و پیوسته است به طوریکه مهارت های تفکر، تفکر انتقادی و خلاقیت در ایشان به رفتارپایدار بدل گردد.

۳-۱. نقطه آغاز تربیت فلسفی کودکان

در اکثر مقالات و کتبی که پیرامون فلسفه برای کودکان نوشته شده است به شیوه های گوناگون ارائه مطالب به کودکان اشاره شده و پیشنهادهای در خصوص روش های کار با کودکان و تربیت فلسفی آنان مطرح شده است. از جمله شیوه های طرفدار؛ استفاده از داستان ها ست که هم در بین فلاسفه غرب و هم فلاسفه معاصر اسلامی همچون شهید مطهری و... مورد اهتمام قرار گرفته است. همچنین دردین مبین اسلام و قرآن نیز از این شیوه برای پرورش انسان ها استفاده شده است.

اما با توجه به رویکرد این مقاله در رابطه با طراحی متون آموزشی فلسفه اسلامی برای کودکان، نباید فراموش کرد که کودکان پیش از ورود به مراکز آموزشی و در خانواده نیز نیاز به چنین آموزش و تربیتی دارند؛ آغاز تربیت، حتی به پیش از تولد بازمی گردد. بنابراین به نظر می رسد گام پیشین؛ طراحی متون آموزشی فلسفه اسلامی برای دانش آموزان متوسطه دوم و دانشجویان به عنوان والدین آینده باشد.

در بین متون آموزشی و کتب درسی متوسطه و دانشگاهی کمتر به نقش والد بودن افراد توجه شده است و این در حالیست که یکی از ضرورت های آموزشی آنان؛ داشتن مهارت فرزند پروری است.

دروسی مانند فلسفه و منطق یا دین و زندگی در مقطع متوسطه و برخی از دروس عمومی مثل اندیشه اسلامی و... در دوره دانشگاهی فرد را تا حدودی با مباحث فلسفی آشنا می کنند اما مدیریت و مهارت تربیت فلسفی یک کودک و پاسخگویی به کنجکاوی های او، قطعاً امری جدا گانه و جدی است. تعداد والدینی که در مقابل سوالات فیلسوفانه کودکان خردسالشان در می مانند کم نیست؛ که شاید در یک نگاه سطحی فقط جالب به نظر برسد، اما به مرور و در نگاه کلان سرمنشاء مشکلات فراوانی خواهد بود.

زمان طلایی آموزش، همان وقتی است که کودک تشنه ی شنیدن و فهمیدن است، عدم آمادگی اطرافیان و به ویژه والدین، جهت هدایت ذهن او و خاموش کردن این عطش با شیوه های ناصحیح، منجر به بسته شدن بسیاری از راه های پرورش قوه ی استدلال و خلاقیت در کودک می شود که در سنین بالاتر به زحمت می توان دوباره این نیاز و تشنگی را ایجاد و هدایت کرد.

بنابراین نقطه آغاز تربیت فلسفی کودکان؛ ارائه شیوه های برخورد با کودک با هدف تربیت فلسفی و آموزش مهارت های فرزند پروری به افراد با رویکرد مذکور است.

۲-۳. طراحی متون آموزشی فلسفه اسلامی برای کودکان در گام پیشین

دانش آموز و دانشجوی امروز، والد فرداست او باید شیوه های برخورد با کودک را «به لحاظ فکری» بداند. آنچه در خصوص فرزند پروری بیشتر در کتب و متون آموزشی نگاشته شده و درازهان هست؛ تا حد زیادی به شیوه های پرورش بُعد جسمی او نظر دارد و برخی از آثار نیز به پرورش استعداد های کودک پرداختند که اکثراً پرورش هوش و استعداد های مختلف او مورد نظر است. به صورت خاص روی این قضیه کمتر تمرکز شده که افراد پیش از مادر و پدر شدن بیاموزند که در رابطه با تربیت فلسفی کودکان چه شیوه هایی داشته باشند؟ چگونه پرسشگری

فرزندشان را مدیریت کنند؟ چگونه تشنگی دانستن، را در کودکشان نخشکانند و او را فردی خلاق و دارای تفکر استدلالی و انتقادی باریاورند؟

ارائه و طراحی چنین متون آموزشی دو رو خواهد داشت؛ چرا که از طرفی هنگام آموختن، با هدف این که از آن آموزه ها استفاده کنیم و در هدایت دیگران از آن بهره ببریم علاوه بر ایجاد انگیزه مضاعف، بحث التزام عملی به آنچه قصد آموزشش را داریم نیز پیش می آید و به نحوی دانش آموز و دانشجوی ما خود نیز متأثر از آموزه ها خواهد بود و پیوندی با کودکی خود و سوالات فراموش شده اش برقرار خواهد نمود، و از طرف دیگر در تربیت نسل آینده شیوه هایی را در توشه دارد که از عهده مسئولیت سنگین خود به عنوان والد برآید؛ به ویژه در عصری که عصر برخورد فرهنگ ها و مکاتب گوناگون فکری و فلسفی است و زندگی در چنین عصری، بدون تفکر نقادانه و سازماندهی افکار، بسیار دشوار خواهد بود.

اگر در جامعه، والدین مهارت پرورش و تربیت فلسفی و به ویژه فلسفه اسلامی را در مورد کودکان داشته باشند به میزان موفقیت ایشان در اجرای این مهارت ها، می توان به داشتن سلامت و پیشرفت جامعه امیدوار بود؛ کودک اگر در کودکی بیاموزد که به سمت درست اندیشیدن قدم بردارد، تفکر خود و دیگران را به دیده ی نقادانه واری کند، برای هر چیزی علت و سببی قائل باشد، سعی در کشف پاسخ پرسش های بنیادین انسان (از کجا آمده ام؟ چرا آمده ام؟ به کجا می روم؟ چگونه باید زندگی کنم؟) داشته باشد و سهل انگارانه از آنها نگذرد، به دنبال جستجوی چنین سؤالاتی به پیکربندی اصلی فلسفه در حد فهم خود دست می یابد و به تدریج در او ارکان دینی و اعتقاد به خدا، توحید، معاد، مبعث انبیا و دیگر امور اعتقادی شکل می گیرد.

با گنجاندن متونی جهت تقویت والدین در تربیت فلسفی فرزندان، مسئله ی تعارض آموزه های محیطی کودک که برایش ناخوشایند است و او را سردرگم می کند، نیز کم رنگ تر خواهد شد چون از طرفی انتظار می رود کودک بیاموزد با تعارض های آرای اطرافش چه کند؟ چگونه آنها را بررسی کند و نتیجه بگیرد؟ از طرف دیگر هم سازگاری، موافقت و هم راستایی آموزه های والدین از طریق این متون آموزشی با آموزه های مربیان و کتب درسی بیشتر بوده و هماهنگی خواهد داشت.

بنابراین مزایای اجرای چنین ایده ای نه تنها می تواند انگیزه ی لازم جهت طراحی متون آموزشی فلسفه اسلامی برای کودکان در گام پیشین را فراهم آورد، بلکه ضرورت پرداختن به آن را نیز یاد آور می شود.

۳-۳. پیشنهاداتی در رابطه با متون مناسب برای پاسخگویی به کودکان

هر کودک از سنین کودکی که با پدیده‌های اطراف خود آشنا می‌شود پرسش‌هایی در ذهنش شکل می‌گیرد که فلسفی است و به پاسخ آنها نیازمند است؛ اگر به نحو صحیح پاسخ او داده نشود، این انگیزه‌ی فطری او منزوی و خاموش می‌شود و ممکن است پیامدهایی همچون ناهنجاری‌های رفتاری و مشکلات اجتماعی به بار آورد. می‌توان گفت که هر کودک فیلسوف به دنیا می‌آید. از این رو والدین او باید آمادگی و مهارت لازم در برقراری ارتباط صحیح با چنین ویژگی مهم و اثرگذاری را دارا باشند.

مباحثی که می‌توان پیشنهاد کرد تا در متون آموزشی مورد نظر؛ به عنوان توشه والدین آینده برای پاسخگویی به سوالات فلسفی کودکان و تربیت فلسفی آنان به کار گرفته شود، عبارتند از:

- توجیه و تبیین ضرورت و اهمیت نگاه فلسفی کودکان که از فطرت آنها سرچشمه می‌گیرد و اثرگذاری پرورش صحیح آن در سهل الوصول شدن بسیاری از اهداف و آمال و آرزوهای والدین در موفقیت همه جانبه‌ی فرزندان‌شان.

- تبیین این مطلب که «دقت نظر در آموزه‌های فلسفی حاکی از آن است که سن به منزله شرط فراگیری فلسفه مطرح نیست و آنچه ضروری است وجود قابلیت‌های خاص برای آموختن فلسفه است... امروزه بر این امر تأکید می‌شود که دشواری مباحث فلسفی به معنای خاص آن مانع از پرداختن به فلسفه، به معنای تفکر و اندیشه ورزی نیست و کودکان برای آنکه بتوانند از این خصوصیت اساسی و فطری انسانی بهره‌مند شوند، نیازمند یادگیری مهارت اندیشیدن هستند. این مهم، هدف برنامه فلسفه برای کودکان است. این برنامه به پرورش و تقویت مهارت‌های اندیشیدن و تفکر از سنین کودکی می‌پردازد؛ سینی که برای یادگیری مهارت‌های زندگی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. کودک با فراگیری اندیشه ورزی، تفکر، تحقیق و عادت کردن به آن، می‌تواند در حل مسائل زندگی از آن بهره‌بگیرد و این، اشتیاق کودک به یادگیری را تقویت می‌نماید.» (صادقی هاشم آبادی، ۱۳۹۳: ۶۳)

- معرفی شیوه‌های پرورش قوه استدلال به عنوان عامل اصلی رشد تفکر انتقادی و خلاقیت که محور اساسی بسیاری از مهارت‌های مورد نیاز در زندگی است.

شیوه‌هایی همچون:

الف: توصیف شرایط پیش آمده، بازگشت به ماجراها و تحلیل ساده‌ی آنها.

ب: استفاده از تمثیل و تقویت قوه استنتاج و استنباط در کودک.

ج: گسترش روابط جمعی و تجزیه و تحلیل وقایع و ارتباطات به نحو ساده و قابل فهم برای کودک.

د: صداقت در گفتار و رفتار و اجتناب از دروغ پردازی و فریب دادن کودک .

ه: درک و همدلی با کودک در شگفت زدگی ها و حیرت هایش و اجتناب از تمسخر و سرکوب کردن هیجان

او از کشف اموری که برای بزرگسالان عادی شده؛ اما برای کودک معجزه است.

و: استقبال از پرسش های کودکانه و صبوری در هدایت او برای جستجوی بیشتر .

ز: اجتناب از پاسخگویی جزمی و یک کلامی ، تام و تمام و کامل و تشویق و تحریز کودک به کنکاش و

دانستن تدریجی .

ح: آموزش نحوه برخورد با تعارضات و تفاوت آراء و مدیریت تحمل حالت ابهام به روش نظری (در داستان و

امثال و...) و عملی (دروقایع و اتفاقات محیطی کودک).

ط: بهره برداری از شک و تردید های کودک در جهت تقویت روحیه ی کنکاش و رسیدن به پاسخ قابل قبول

عقلانی .

ی: ارجاع و هدایت تدریجی کودک از فطریاتی مثل علاقه به قدرت، احترام، ادب ، مهر و محبت و ... به مفاهیم

فلسفی دینی مثل عبودیت ، پرستش ، اجرای آداب دینی و شکرگزاری و ...

- استفاده از روش های گوناگون جذاب که قوه ی تجزیه و تحلیل و تفکر انتقادی را در او شکوفا نماید مانند شیوه

داستانی ، نقد و صحبت در مورد انیمیشن ها و بازی ها (که امروزه یک سر ، عنان تربیت کودکان را به دست

گرفته اند) و بررسی عکس العمل ها و...

- در بخشی از طراحی متون آموزشی فلسفه اسلامی برای کودکان می توان به مصادیق و مثال ها و پرسش هایی

که اکثر کودکان والدین خود را با آنها مواجه می کنند اشاره نمود و نمونه هایی از شیوه های پاسخ دهی به آن

ها را شرح داد.

پیشنهادهای فوق می تواند در بررسی و تحقیقات آتی کامل تر و دقیق تر ارائه شود به نحوی که ضمن دوری از افراط

و تفریط ها ، جنبه ی عملی و کاربردی آن نیز آزموده شود تا نتایج بهتری را به دنبال داشته باشد.

نتیجه گیری

نتایج حاصل از نوشتار پیش رو به اجمال عبارتند از :

۱. پایه و اساس فلسفه اسلامی و آموزه های قرآنی «تفکر» تعقل و تدبّر است و عمده موضوعات مورد توجه در آیات قرآن ؛ مسائل اساسی هستی و زندگی انسانی است که به تقویت بنیه وجودی و عقلانی انسان می پردازد. تفکر(البته تفکر سنجیده و هدایت یافته) در اسلام عبادت تلقی شده است و حتی از عبادت، افضل دانسته شده است؛ زیرا عبادت نتیجه تفکر و تأمل انسان در مسائل مربوط به مبدأ و معاد و نیز مسائل بنیادین زندگی انسان است. برنامه «فلسفه برای کودکان» در صدد تربیت آنان به نحوی است که در اتخاذ تصمیم های ناگزیر زندگی از شیوه های مناسب و عقلانی بهره جویند؛ کودکان می آموزند در دوراهی های زندگی به تفکر پردازند و راه درست را انتخاب کنند. با این شیوه می توان به اصلاح وضعیت نسل جدید و رشد و بالندگی ایشان کمک کرد.
۲. با توجه به این که امروزه در جوامع مختلف برنامه «فلسفه برای کودکان» مورد اهتمام قرار گرفته است و راهکاری برای تربیت نسلی با تدبّر و تعقل بیشتر معرفی می شود، اجرای این برنامه در جامعه ما می تواند با نظر به فلسفه اسلامی به نحو غنی تری بررسی و پیاده شود. چرا که این برنامه نه تنها با اهداف و روح کلی حاکم بر تعلیم و تربیت اسلامی منافاتی ندارد، بلکه می تواند بخشی از نظام آموزش و تربیتی آن قلمداد شود.
۳. نکته ی مهمی که در این نوشتار به آن اشاره شد عبارتست از کمبودی که در درجه اول به طور کلی در نظام تعلیم و تربیت احساس می شود و آن هم نبود کتب و متون درسی در راستای فرزند پروری است (حال آنکه این امر از اولویت های آموزشی بوده و نمی توان به راحتی از نقش والدگری افراد جامعه چشم پوشی کرد) و در درجه بعدی نبود متون آموزشی در جهت تربیت فلسفی نسل های آتی و شیوه های دستیابی به اهداف برنامه «فلسفه اسلامی برای کودکان» است به نحوی که بتوانیم به فرزندانمان پیاموزیم :
« آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست» مولوی

کتاب نامه

۱. قرآن کریم سوره ص، آیه ۲۹.
۲. اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۲). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران، کمال تربیت.
۳. جهانی، جعفر (۱۳۸۱). «نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی ماتیو لیپمن»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س). شماره ۴۲.
۴. دیندار، اصفهانی، ایمان و منصوری، مهدی، (۱۳۹۸)، «ضرورت فلسفه و کودک در ترازوی اندیشه اسلامی با تاکید بر ظرفیت های موجود در فرهنگ اسلامی»، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، سال پنجم، شماره ۴، پیاپی ۲۰.
۵. ذبیحی، معصومه (۱۳۹۷)، «تربیت فلسفی، چیستی، چگونگی و چرایی»، فلسفه و کلام، سال پنجم.
۶. شریفی اسدی، محمدعلی (۱۳۸۸). «نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان در ایران و چالش های فرا روی آموزش فلسفه برای کودکان». فصلنامه معارف عقلی. شماره ۱۰.
۷. صادقی هاشم آبادی، محمد و علوی، سیدمحمد کاظم، (۱۳۹۳)، «فلسفه برای کودکان»، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۲.
۸. قائدی، یحیی، (۱۳۹۵)، مدارس یادگیرنده؛ مبانی نظری فلسفه برای کودکان، تهران، نشر اندیشه برتر.
۹. قراملکی، احد فرامرز، (۱۳۸۴) الف، «مقایسه سبک های لیپمن و برنی فیه»، فصلنامه پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۲.
۱۰. قراملکی، احد فرامرز، امی، زهرا (۱۳۸۴) ب، «فلسفه برای کودکان از تفکر منطقی تا تجارب فلسفی»، ویژه نامه فلسفه برای کودکان نشریه کودک.
۱۱. مولوی، دفتر سوم مثنوی معنوی، ابیات ۳۲۰۵.
۱۲. یثربی، سیدیحیی، (۱۳۹۰)، فلسفه چیست؟، تهران، انتشارات امیرکبیر.

پیوست

۱. اشاره به تعریف ملاصدرا از غایت فلسفه اسلامی «صیوره النفس عالمًا عقلياً»
۲. با توجه به اینکه در کتب و مقالات مختلف به تبیین بحث ضرورت حضور فلسفه اسلامی در زندگی پرداخته شده است در اینجا اجمالاً مطرح شده است.
۳. فلسفه برای کودکان (philosophy for children) به صورت مخفف: P4c
۴. «Lipman, M 1991. Thinking In education» نقل در قائدی، یحیی، (۱۳۹۵)، مدارس یادگیرنده؛ مبانی نظری فلسفه برای کودکان، تهران، نشر اندیشه برتر.